

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان



۱۱/۰۱/۲۷

مرثیه ای از شیخ الشعرا استاد "فدائی" هروی در رثای شهید "رهبر"

آدرخش

دریغ و آه از آن آیت سپیده دمان
دریغ و آه از آن قامت بلند زمان
دریغ و آه از آن آدرخش طوفانزا
دریغ و آه از آن یکه تازی پروا
که درسیاهی شب همچو مشعلی تابان
خמוש گشته به یکدم زجور خفاشان
ستم نگر که چه نخلی زبوستان امید

زیافتاد و به سوگش زمان سیه پوشید
دریغ از آن پدر انقلاب و حماسه
که بی خبر بُد از آن گژدم سیه کاسه
که روبهانه ز سوراخ شب برآرد سر
به شیر شرزه برد حمله روبهی لاغر

ندید خصم چو در کارزار مانندش
به حيله در دل ظلمت ز پا در افکندش
الا بهین خلف پاک ملت و میهن
الا گزین شرر افروز خرمن دشمن
الا به اوج شرف آسمان ستاره عشق
سبک رکاب میادین برج و باره عشق
عقاب وار بر افلاک جاودان رفتی
نبود در خورت این تنگ آشیان رفتی
جدائی تو زمیهن به روزگار این بس
که بُعد فاصله طی شد به پای یک دونفس
به بال آتش و خون از فراز کوه و کمر
شدی به کوی شهیدان عشق راه سپر
ز تیر کینه و بیداد نا جوانمردان
زدی تو بیخبر از خویشتن به خون جولان
گداخت سینه دشمن ز پایداری تو
زعزم راسخ و ایمان و استواری تو
زبسکه مشفق و دانا و مهربان بودی
چراغ محفل شب های همرهان بودی
تورا که بود دل روشن و یتیم پرست
چرا زمانه به سنگ جفا و کینه شکست
تورفتی و ره و رسمت ز سر کی میگیرد
ز دود مان شهیدان خبر کی می گیرد
زنان بیوه ازین پس تورا کجا جویند
گل وجود تو را بی کسان کجا بویند
زمان که داغ عزیزان نهاد بر دل تو
به غیر همت والا ندید حاصل تو
زقید و سوسه و زرق اهرمن رستی

کمر به عرصهٔ آزادی وطن بستی
به دام حيله و نيرنگ پای ننهادی
به روی خصم دغل باب صلح نکشادی
توگرچه رفتی نام تودرجهان باقی است
به لوح سینهٔ تاریخ جاودان باقی است